

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۱۳۴-۱۱۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳
نوع مقاله: پژوهشی

تاثیر جریان شناسی «نفوذ» بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی به تمام آرمانها و اهدافش (با تأکید بر دهه ۱۳۹۰)

رشید رکابیان* / سیروس خندان**

چکیده

پژوهش پیشرو به تاثیر جریان شناسی نفوذ بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی به تمام آرمانها و اهدافش با تاکید بر دهه اخير می پردازد. جریان نفوذ که سابقه ای طولانی دارد در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به درون نظام جمهوری اسلامی رخنه کرد و به دلیل شکست های دشمنان در براندازی نظام در دهه اخير و با روی کار آمدن دولت «تدبير و اميد» در قالب مذاکرات هسته ای رخنه خود را به طرق مختلف افزایش داد. به همین دلیل مقام معظم رهبری در این دهه از عمر انقلاب اسلامی به مناسبت های مختلف جریان نفوذ، منشأ، اهداف، انواع و... آن را به مسؤلین و مردم گوشزد کردند. سؤال تحقیق جریان نفوذ چه تأثیری بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی به تمام اهدافش در دهه ۹۰ داشته است؟ فرضیه تحقیق نفوذ به دو شکل فردی و جریانی در قالب جریان فکری سیاسی لیبرال که توسط دشمنان انقلاب تربیت یافتند، به جریان سازی نیرو اقدام نمودند و در جریان مذاکرات هسته ای با نفوذ به درون مدیران و تصمیم گیرندگان به اخلال در اهداف انقلاب و ناکارآمد جلوه دادن حاکمیت بودند تا از این طریق به تغییر نظام جمهوری اسلامی که هدف اصلی آنها می باشد، اقدام کنند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اسنادی، کتابخانه ای می باشد.

کلید واژه ها

انقلاب اسلامی، آرمانها، مقام معظم رهبری، جریان لیبرال، دولت تدبير و اميد.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)
ra.recabian@gmail.com

** عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی حادثه بزرگ قرن بیستم بود که علاوه بر تحول بنیادین و فراگیر در ایران، بازتاب و دستاوردهای جهانی فراوانی داشت و با احیاء تفکر دینی بویژه در صحنه سیاست و جامعه و اداره زندگی بشری، بسیاری از تئوری‌ها و اصولی را که قطعی و خدشه ناپذیر معرفی شده بودند مورد چالش قرار داد، مانند اصل سکولاریسم، لیبرالیسم، مدرنیسم و مانند آن. این انقلاب مبدأ تحولات عظیمی در صحنه سیاست و فرهنگ و اجتماع گردید و سرآغاز الهام بخش بسیاری از حرکت‌های ضد استعماری و نهضت‌های استکبارستیز قرار گرفت و با گذشت نزدیک به نیم قرن همچنان بزرگ‌ترین دشمن و مانع قدرتهای تمامیت طلب و استعمارگر است. روشن است که دشمنان و آنان که منافع خود را در نتیجه این تحول عظیم و انقلاب دینی در تهدید و مخاطره می‌دیدند، نتوانند آن را تحمل کرده، با تمام توان و به کارگیری همه امکانات خود و در عرصه‌های مختلف، بکوشند این حرکت را متوقف و یا تحت کنترل و مدیریت کلی خود درآورند؛ در چنین شرایطی بود که قدرتهای بزرگ و سلطه‌گر به رغم همه اختلافها و تضادها در مقابله و تلاش برای سرکوب کردن انقلاب اسلامی به وحدت رسیدند و چه در مجامع جهانی و بین‌المللی و چه در عمل هرآنچه می‌توانستند برای سرکوب و حداقل کنترل آن انجام دادند. اما هشیاری و استقامت رهبری و امت انقلابی توانست توطئه‌ها و تهاجم‌های خارجی را خنثی و تحمل مشکلات داخلی را آسان و موانع را مرتفع سازد و چه بسا تهدیدها را به فرصت تبدیل نماید. اما انقلاب اسلامی در دست یابی به تمامی اهدافش باموانعی مواجه شد که در این مقاله مهمترین عامل عدم دستیابی تحقق همه اهداف انقلاب را «جریان نفوذ» میدانند. این مساله که هدف اصلی دشمن برای عدم دستیابی انقلاب اسلامی به همه اهدافش می‌باشد، از ابتدای انقلاب در درون مدیریت نظام ایجاد شد و در دهه اخیر به طرق دیگری در قالب، برجام، پس‌برجم، میز مذاکره و... بیشتر خودش را نشان داد به همین دلیل حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مراحل برنامه دشمن جهت مقابله با انقلاب اسلامی را به سه مرحله «براندازی»، «استحاله» و «نفوذ» تقسیم می‌کنند که به ترتیب تاریخی رخ داده‌اند. که مرحله «نفوذ» آخرین مرحله است.

رهبر معظم انقلاب با عباراتی کلیدی در دهه ۹۰ به مناسبت‌های مختلف خطر «نفوذ و جریان نفوذ» را به مناسبت‌های مختلف (۱۲ سخنرانی در سال ۱۳۹۴، ۸ سخنرانی در سال ۹۵، ۹ سخنرانی در سال ۹۶، ۷ سخنرانی در سال ۹۷، ۹ سخنرانی در سال ۹۸، و ۲ سخنرانی در سال ۱۳۹۹) به مردم و مسئولین مربوطه گوشزد کنند، (ر، ک، <https://farsi.khamenei.ir>) ایشان در سخنرانیهای خود نفوذ را تهدیدی بزرگ برای کشور معرفی کردند و نفوذ را بخشی از نقشه آمریکا در منطقه دانستند. از ویژگی‌های مهم

نفوذ در این سطح و با این نگاه عبارت است از: «ارتجاع و محافظه‌کاری در بازگرداندن ساختارهای سیاسی فاسد گذشته، اصلاحات صوری و ظاهری، تطمیع و تهدید نیروهای سیاسی و بازسازی نیروهای ضدانقلابی.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۹۰/۱۱/۱۴) به همین دلیل روند ادبیات «نفوذ» با تبیین کلید واژه‌های بدیع، مانند «نفوذ جریانی» توسط مقام معظم رهبری وارد مرحله تازه‌ای از روند تکامل خود گردید و مفهومی که تا پیش از استفاده پرتکرار توسط امام خامنه‌ای کمتر در دایره توجه پژوهشگران داخلی بود پس از آن در کانون توجهات علاقه‌مندان حوزه علوم انسانی قرار گرفت چراکه نقصان تحلیلی تشویش‌های فراوانی را پیش روی برخی از عوام و خاص داخلی در دوران حاضر قرار می‌داد. مقام معظم رهبری ذیل گفتاری به خلأ فوق اشاره کرده و می‌فرماید: «متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه (بررسی هزینه‌های کشور در مواجهه با نفوذ) انجام نگرفت محققین و مورخین ما باید بنشینند یک کار مبسوط و مشروحتی را انجام دهند در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیله کشورهای متنفذ خارجی که وارد این جا شدند» (بیانات مقام معظم رهبری ۹۲/۴/۲) به تأسی از مطلب فوق این مقاله به جریان نفوذ و تأثیر آن بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی به همه اهدافش می‌پردازد.

۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

«طبعاً وقتی تهدیدها را شناختید، آمادگیهای متناسبش را پیدا میکنید.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴) شناخت آسیبها و آفتهایی که انقلاب اسلامی را تهدید میکنند، نخستین و اساسی‌ترین قدم در جلوگیری از پیدایش و رشد آسیب‌هاست و تلاش لازم برای پویایی سیر تکاملی انقلاب اسلامی را قوت می‌بخشد. دشمن می‌کوشد از همه امکانات خود استفاده کند تا در راه تشخیص حق از باطل و حرکت بدون لغزش در مسیر مستقیم دین و انقلاب اسلامی، خدشه و انحراف و ابهام ایجاد کند. امام محمدباقر(ع) حفظ عمل و استمرار آن را از خود عمل مهم‌تر و دشوارتر برمی‌شمارد: *الأبقاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ* (کلینی، ح: ۲: ۲۹۶) نظام سلطه از آغازین روزهای پیروزی نهضت شکوهمند امام خمینی (ره) تا کنون، به انحاء مختلف درصدد براندازی این انقلاب الهی و مردمی، یا نفوذ به بنیان مرصوص آن است تا با جلب همکاری عناصر خود فروخته یا لیبرال مسلک و یا مرعوب ماهیت حق طلبانه، آن را استحاله و یا حداقل جریانهای انقلابی را آلوده به لوث وجود نامحرمان کنند تا در روز مبادا، منافع استراتژیک غرب در ایران را تأمین نمایند که البته این ساده‌ترین نوع نفوذ بود که از ابتدای انقلاب اسلامی در دستور کار قرار داشت. از طرف دیگر دیدگاه قرآنی، تقابل دائمی حق و باطل نیز بر ماهیتی و دائمی بودن این تهدید برای انقلاب اسلامی به عنوان پرچمدار جبهه حق تأکید می‌نماید؛ براین اساس بر

مدیران کنونی و آینده انقلاب لازم و ضروری است که اولاً رهنمودهای حکیمانه رهبر معظم انقلاب گوش بدهند و آنها را عملی کنند؛ ثانیاً برای حفظ انقلاب اسلامی باتمام توان هم خدمت کنند و هم فعالانه مواظبت نمایند.

۲- پیشینه تحقیق

بعد از بیانات مقام معظم رهبری در سالهای دهه ۹۰ شمسی مقالات زیادی در مورد نفوذ و جریان نفوذ نگارش یافته است که هر کدام از یک زاویه به موضوع پرداختند مثلاً مقاله، ۱- هندسه نفوذ سیاسی و تأثیر تهدیدهای آن بر امنیت ملی؛ با تأکید بر رهنمودهای رهبری از مرتضی توکلی محمدی و مرتضی مطهری فرد؛ ۲- واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن نوشته سیدجوادخاتمی سبزواری و زهرابقیعی؛ ۳- سیاست و حکومت و نفوذ جریانی: مطالعه موردی ایران قاجاری نوشته خواجه سروی و حامدکیانی مجاهد؛ ۴- تحلیل سیستمی مسأله نفوذ و منظومه اثرگذاری آن با تأکید بر ابزارهای نوین دیپلماسی نوشته ابوزر گوهری مقدم و حامد کیانی مجاهد؛ ۵- بررسی مفهوم «نفوذ» در اندیشه سیاسی آیتالله خامنه ای (مدظله العالی) نوشته رضا دوستدار و صفی ذوقدار؛ ۶- کتاب نفوذ (ابعاد، ابزارها و موانع نفوذ دشمن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب) نوشته رضا مطهری انتشارات عاصم؛ کتاب راه های نفوذ دشمن نشر کتابستان ماجد، نویسنده سید محمدحسین راجی، گردآورنده کتاب محسن فوجی سال نشر ۱۳۹۶ و ۷- کتاب نفوذ تهاجم بی صدای دشمن نویسنده: فرجام وهایی، مجید عباسی و... که نویسندگان هر کدام به یک موضوع از نفوذ پرداختند و مقاله پیشرو دارای نوآوری جدیدی است که به آن پرداخته نشده است.

۳- چارچوب نظری و تعریف مفهوم نفوذ

نفوذ یکی از انواع دوگانه دشمنی است، «دشمنی نرم» که با دشمنی های معمول نظامی و اقتصادی یعنی «دشمنی سخت» متفاوت است. نفوذ یعنی شیوه ای از «دشمنی نرم» که در آن، محاسبات و نحوه تصمیم گیری مسئولان کشور و همچنین باورها و آرمان های عمومی متناسب با خواست و اهداف دشمن تغییر پیدا می کند.

«نفوذ» دلغت به معنای خرق و تجاوز، اجراء، خلوص و ورود در وسط چیزی آمده است منافذ، مجاری نفوذ و رخنه است. دهخدا نفوذ را رسا و درگذرنده در هر کاری؛ اثر کردن در چیزی، داخل شدن در چیزی معرفی می کند. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۸۶۹) در زبان فارسی نفوذ در معانی ای چون رخنه، رسوخ، سرایت، داخل شدن در چیزی، تاثیر و اثر کردن در چیزی، اعتبار، توانایی، و قدرت به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۶: ۳۶۴) در نگاه اصطلاحی نفوذ را می توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می کند تا به طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند. (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید، از جمله وسایلی اند که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می کند.

۱-۳- انواع نفوذ

در مورد نفوذ دیدگاه متفاوتی وجود دارد که در کلام مقام معظم رهبری نفوذ به موردی - فردی و نفوذ جریانی قابل بحث است.

نفوذ موردی، «معنایش این است که شما یک دم و دستگاہی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش شده، بزک شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است .. گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض میکند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم گیر هستید، میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می آید کاری میکند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم سازی.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴)

نفوذ جریانی، «یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ (یعنی) این که افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. سمت مورد نظر عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله، همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان سپاه ۱۳۹۴)

در مورد علل بکارگیری شیوه های نفوذ در نظام جمهوری اسلامی ایران معظم له می فرماید:

¹ Influence

«چون دشمن بنا به تجربه دریافته است که راه‌های دیگر برای دشمنی (دشمنی‌های سخت همانند تحمیل جنگ نظامی و تحریم اقتصادی) نمی‌تواند، مقاصد غرب را در تضعیف، استحاله و براندازی نظام جمهوری اسلامی محقق سازد و به عبارت دیگر همه راه‌ها برای پیشبرد دیگر شیوه‌های دشمنی بسته است، راه یا شیوه نفوذ را برای ادامه دشمنی و گسترش دامنه آن برگزیده است. و می‌فرمایند: «بر اساس اطلاعات دقیق، برنامه جدی استکبار و امریکا، نفوذ در کشور است،» (۲۰ اسفند ۹۴ در دیدار اعضای مجلس خبرگان) اما اینکه چه افرادی هدف نفوذ دشمن هستند باید گفت مردم و مسئولین مورد هدف هستند. به همین دلیل معظم له می‌فرماید: «هدف دشمن از طراحی نفوذ در مسئولان، تغییر دادن محاسبات مسئولان کشور است که نتیجه آن، قرار گرفتن فکر و اراده مسئولین در مشت دشمن است و در این حالت، دیگر نیازی به دخالت مستقیم دشمن نیست و فرد مسئول بدون آنکه حتی خود بداند، همان تصمیمی را می‌گیرد که دشمن می‌خواهد». (بیانات مقام معظم رهبری ۹۴/۱۲/۲۰) و هدف از نفوذ در مردم «آماج قرار دادن باورهای مردم نسبت به اسلام، انقلاب، اسلام سیاسی و وظایف عمومی آن یعنی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی همانند نفی استقلال کشور و تغییر باورهای مردم برای فراموش کردن خیانت‌های غرب» (بیانات مقام معظم رهبری ۹۴/۱۲/۲۰)

۲-۳-اهداف نفوذ

نظام غرب دارای ساختاری است که مبتنی بر تقابل، فرآیند مهار، ادغام و در حقیقت نفوذ، اعمال می‌شود. این فرآیند در آمریکا در چند سطح طراحی و اجرا می‌گردد:

۱- **سطح سیاست گذاری:** شورای امنیت ملی آمریکا، عالی‌ترین سطحی است که مسئله نفوذ را مدیریت و برنامه‌ریزی می‌کند. اکثریت اعضای این شورا نهاد‌های اطلاعاتی، امنیتی آمریکا هستند که بخشی از این شورا را تشکیل می‌دهند. اعضای دیگر این شورا وزارت خارجه، پنتاگون، دفتر برنامه ریزی آمریکا، مشاور امنیت ملی آمریکا (دبیر شورا)، رئیس جمهوری و مشاور رئیس جمهور هستند. وجه تمایزی که این شورا دارد؛ این است که مصوبات را بسیار جدی و محکم اجرا می‌کنند و هیچ کوتاهی از سوی آنها در اجرای مصوبات صورت نمی‌گیرد.

۲- **سطح راهبردی:** برای اجرای این مصوبات سطحی پایین‌تر از سطح شورای امنیت ملی آمریکا؛ یعنی سطح راهبردی عهده‌دار مسئولیت می‌شود که در این سطح نیز دو وزارتخانه به خصوص وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا مشغول فعالیت هستند. (ر، ک، جیمز رایزن، ۱۳۹۴)

در سطح راهبردی، چهار سازمان، ساختار اصلی وزارت خارجه آمریکا را تشکیل می‌دهند. یکی از مهمترین معاونتهای وزارت خارجه آمریکا، معاونت دیپلماسی عمومی و امور عمومی است. یکی از زیرمجموعه‌های این معاونت، اداره کل آموزشی و فرهنگی است که اداره شصت موسسه را به عهده دارد و به عنوان قرارگاه فرماندهی این موسسات شناخته می‌شود. این شصت موسسه دارای شبکه عملیاتی هستند که از این شبکه، ۱۰۰ نهاد دیگر فعالیت می‌کنند که بخشی از این ۱۰۰ نهاد، توسط ایرانی‌های مخالف نظام اسلامی مقیم آمریکا که به نفع آمریکا و علیه ایران فعالیت می‌کنند، اداره می‌گردد. (ر،ک، ریچاردسون، اندریو پ. کاکابادسه، نادا ک. کاکابادسه، ۱۳۹۷). لذا از این دوطریق اهداف نفوذی خود را دنبال میکنند که این اهداف عبارتند از:

- ۱- نفوذ برای ربودن اطلاعات (جاسوسی)
- ۲- نفوذ برای ربودن اسناد و مدارک با اهمیت و یا آثار تاریخی
- ۳- تغییر محاسبات مسئولان و تغییر نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها، متناسب باخواست دشمن
- ۴- نفوذ برای ربودن مغزها
- ۵- نفوذ با هدف تغییر باورها، تغییر آرمانها
- ۶- نفوذ با مقصد تغییر سبک زندگی
- ۷- نفوذ به منظور استحاله و براندازی
- ۸- نفوذ برای تغییر نگاه‌ها، دیدگاه‌ها و معادلات فکری ن
- ۹- نفوذ برای تغییر بنیان آموزشی و جلوگیری از تربیت افراد کارآمد
- ۱۰- نفوذ برای کاهش توان دفاعی کشور
- ۱۱- نفوذ در مدیریت و حاکمیت کشور
- ۱۲- نفوذ در مراکز فرهنگی و آموزشی است که هدایت نخبگان و جوانان مارا در دست دارند. (ر،ک، بیانات مقام معظم رهبری ۹۴/۹/۴ <https://farsi.khamenei.ir>)

۳-۳- فرایند پیاده سازی جریان نفوذ

پس از تشریح اجمالی مفهوم نفوذ فرایند سه مرحله ای پیاده سازی این نفوذ را توسط قدرتها در کشورهای هدف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- تربیت عوامل: قدرت‌های بزرگ از دیرباز شبکه‌های نفوذ خود را توسط خواص و نخبگان جامعه مخاطب در آن کشورها شکل می‌داده‌اند نخبگانی که هرچند لباس ملی بر تن داشتند و به زبان کشور خود سخن می‌گفتند اما در روح و تعالیم فرهنگی رشد یافته بودند و روش و منش ایشان ملهم از تفکرات

آنها بود در واقع قدرت ها با جذب نخبگان و اقشار تحصیلکرده و صاحب منصب در فضای روشنفکری تولیدی خود که غالباً در شکل یک مسلک یا مکتب طراحی شده بود گام‌های بعدی فرآیند نفوذ را توسط افراد پرورش یافته در روح تعالیم آن مسلک فرنگی پیاده سازی و اجرا می نمودند. منظومه بینش ها و گرایش های این افراد نیز در فضای ایدئولوژیک غرب شکل می گرفت و اقدامات و کنش های آنها را در آن راستاد جهت دهی می نمودند.

۲- جریان سازی: هر جریان اجتماعی جهت شکل گیری و تکوین به طراحی و مدیریت سه رکن «بینش، گرایش و کنش» نیازمند است. (خواجه سروی، کیانی مجاهد، ۱۳۹۶: ۸۵) در این گام عوامل تربیت یافته به ارائه پاسخ هایی به سه نیاز محتوایی جریان می پردازند و با ارائه ایدئولوژی و بینش مختار خود نیازهای معرفت شناختی جریان را مرتفع می کنند و با طراحی فرایندهای جذب نیرو که تکیه بر درشت نمایی ضعف های درونی و بزرگنمایی توانمندی های خارجی دارد. پیروان جریان را در راه آرمان های مسلک استوار میکنند. این افراد جریان ساز که خود را مجهز به نسخه درمان عقب افتادگی ها و کاستی های کشور خود می پندارند در صدد بر می آیند که با تأسیس نسخه بومی شده مسلک فرنگی ای که بدان وابسته اند تفکرات ملهم از آن را در جامعه پیاده کنند. به عبارت دیگر به ارائه ایدئولوژی اخذ شده یا ملهم از مسلک فرنگی مبادرت می ورزند و زمان تاسیس مسلک بومی شده آن را راهبری می کنند؛ از این طریق جریانی از نخبگان و افراد تاثیرگذار را در داخل کشور بنا می نهند که خواسته یا ناخواسته مجری تامین منافع ملی قدرت های بزرگ باشند.

۳- تاثیر گذاری سیاسی اجتماعی: جریان ملهم از تفکرات فرنگی (چه شرقی و چه غربی) بر حسب توان و نفوذ ساختاری که در میان خاص غیر عضو در مسلک و عوامل اجتماعی دارند سه گانه «بینش ها، گرایش ها و کنش های» اجتماعی را دستخوش تغییراتی میکنند (همان: ۸۶) و با جهت دهی به تصمیم سازی ها و روندهای سیاسی اجتماعی بر سیر حرکت سیاست کشور تاثیر می گذارند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند «نفوذ جریانی که خطرناک تر است یعنی شبکه سازی در داخل ملت. از طریق پول و جاذبه های جنسی افراد تاثیر گذار را با اهداف دروغی دور هم جمع می کنند تا بکشاند به سمت اهداف مورد نظر خودشان، که تغییر باورها، آرمانها، نگاه ها و سبک زندگی است می خواهند نگاه این افراد را مانند نگاه خود کنند» (بیانات مقام معظم رهبری ۹۴/۹/۴) بدین ترتیب زیر فرآیند «نفوذ جریانی» تفکرات منفعت گرایانه های خارجی در سپهر سیاست کشور هدف مهیا می گردد.

براساس سه فرایند مذکور و بر مبنای بیانات مقام معظم رهبری در مورد «نفوذ جریانی» می توان مجموعه کارگزاران نفوذ زده را به سه دسته تقسیم بندی کرد.

۱- **جاسوس:** در این دسته بندی، جاسوس به شخصی اطلاق میشود که در پوششهای متقلبانه یا مخفیانه و به نفع دشمن درصدد تفحص و تجسس، پیرامون اسرار، یا تحصیل اطلاعاتی اشیاء، یا سایر مدارک و اسناد مربوط به استعداد و تواناییهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی مربوط به یک کشور و انعکاس آنها به کشور دشمن باشد (گارو، ۱۳۴۴: ۶۹۳) اهمیت مؤلفه های موجود در تعریف فوق، زمانی افزون میگردد که جاسوس از افراد متنفذ داخلی (در سطوح دسترسی و سازمانی مختلف) که دست اندرکار است باشد و آگاهانه و با دریافت دستمزدهای قابل توجه، خیانت به کشور را صورت دهد.

۲- **خودفروخته:** افراد جای گرفته در این دسته، به صورت رسمی عامل دشمنان (جاسوس) نیستند تا در قبال اخذ دستمزد، مأموریت هایی را برای بیگانگان انجام دهند، اما به دلیل برخی تعلقات مادی نظیر حب مال، جاه، خانواده و ... و ضعف در پایه های اخلاق و تقوای فردی و اجتماعی و یا تعلق خاطر به تفکرات غربی یا شرقی، در مقابل تهدید، تطمیع و یا ترغیب عوامل داخلی و خارجی دشمن، توان ایستادگی ندارند و خواسته یا ناخواسته به ابزاری برای پیاده سازی خواسته های آنان [دشمنان] تبدیل می شوند.

۳- **مقلد:** کارگزاران مقلد، کارگزارانی هستند که با قصد خیر خدمت به کشور، در عرصه خدمت رسانی قدم میگذارند، اما به دلیل عدم استحکام پایه های گفتمانی و تا حدودی تأثیر تفکر خودکم بینی ملی و غربگرایی ایدئولوژیک در این افراد، در فرآیندالگو گیری از ورای مرزها دچار لغزش شده و ناخواسته مجرایی میشوند که دشمنان از طریق آنان افکار و اقوال خودشان را بیان میکنند. به عبارت دیگر، این دسته از طریق اعتماد به نسخه های فرامرزی به دنبال ایجاد پیشرفت ملی هستند و راه علاج را در نسبت های مختلف بدون توجه کافی به مقتضیات درونی، در نزد دیگران جستجو مینمایند. کارگزاران بدنه حاکمیت اگر بخواهند گرفتار تقلید مذموم نفوذ زده نگردند میبایست آمادگی مواجهه با چالشهای نظری و عملی موجود در مسیر این مسأله را در خود تقویت کنند تا سازوکارهای تعافل، توجیه و تحریک نتواند اثری در قول و فعل آنها بر جای بنهد، در غیر این صورت تبدیل شدن آنها به عوامل پیاده سازی سیاستهای نفوذ دشمن، دوزخ ذهن نخواهد بود. عواملی که ذیل سه گانه ی جاسوسی، خودفروختگی و تقلید، یک مجموعه منسجم را تشکیل میدهند که وضعیت هم افزایی نسبت به یکدیگر دارند و قابلیت تبدیل وضعیت به یکدیگر را نیز دارند. در واقع، اگر همچنان افول معنوی فرد استمرار داشته باشد، این مقلد میتواند به خودفروخته و سپس به جاسوس تغییر وضعیت دهد. باتوجه به مطالب مذکور «جریان سازی نفوذ» در قالب جریانهای ذیل انجام میشود:

۴- جریان فکری سیاسی لیبرال

جریان لیبرال، جریانی است ایدئولوژیک، برای کسب قدرت که در درون خود، افراد، گروه‌های ذی‌نفوذ، فشار، احزاب، نهادها، سازمان‌ها، انجمنها و جناح‌ها را دارد. این جریان با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری در نظام سیاسی و هویت جامعه تاثیر میگذارد و در پی کسب قدرت است (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۸) لیبرالیسم ایرانی ادامه نظری تفکر غرب‌گرای است و مجموعه مفاهیم مبانی جدید و چارچوب گفتمانی آن تفاوتی مبنایی با مفاهیم و مبانی و اهداف لیبرالیسم غربی ندارد. (امیری، ۱۳۸۹: ۱۵) منظور از آن جریان‌های سیاسی معتقد به اندیشه لیبرالی و تجددخواهی است که در تحولات سیاسی نقش دارند. این جریان از دوران قاجار با اعزام محصلین به فرنگ شکل گرفت (حائری، ۱۳۷۸: ۲۸۰) و تاکنون این تفکر ادامه دارد.

این جریان طرفدار تداوم ارتباط سیاسی و اقتصادی با غرب بود (استمیل، ۱۳۷۷: ۳۰۰-۳۰۱) از ابتدای انقلاب در بدنه نظام جمهوری اسلامی ایران نفوذ کردند و به غرب اعتماد کامل داشتند و نیاز جهان را به «کدخدا» ضروری می‌دانند. به عبارتی این جریان، نفوذی غرب در درون مدیریت جمهوری اسلامی ایران بود. این جریان با نزدیکی به حزب کارگزاران، سیاست ذوب شدن در نظام لیبرالیستی غرب را در پیش گرفت. سخنگوی وقت کارگزاران به صراحت اعلام کرد که حزیبش دارای نگرش لیبرال دموکرات است و از تدوین مانیفستی جدید درباره نسبت لیبرالیسم و اسلام خبر داد (مرعشی، ۱۳۸۵: ۳) کارگزاران با ترویج تفکر فن‌سالاری و تکیه بر نفوذی که در مدیریت اجرایی کشور داشتند در حرکت جریان روشنفکری تاثیرگذار بودند. این جریان مباحث معرفت‌شناختی و فلسفی مبتنی بر رویکرد نوگرایی را مطرح می‌کرد و غرب‌پژوهی را راهبرد خود قرار داد و با تلفیق تجارب تمدن بشری غرب و درونی کردن آن با ارزش‌های بومی بر انگاره‌های لیبرالی تاکید و با شعار توسعه سیاسی و پیوستن به نظام جهانی به سوی تفکر غرب حرکت کرد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

جریان فکری سیاسی لیبرال در دهه سوم انقلاب با نزدیکی به احزاب و گروه‌های اصلاح طلب به درون نظام، بحران‌سازی فکری و موج اعتراض در سطح جامعه را خواستار گردید تبلیغ تفکر لیبرالی در میان نسل جوان در جهت کسب پایگاه اجتماعی در طبقه متوسط شهری از اهداف آن بود (خالقی راد، ۱۳۷۸: ۲۱) حرکت در جهت ایجاد شورش‌های اجتماعی با هدف براندازی نرم و ساقط نمودن حاکمیت اسلامی به وسیله تردید افکنی جدی در کارایی مذهب و زیر سؤال بردن حکومت اسلامی مدنظر این جریان بود (علوی نیک، ۱۳۸۸: ۲۹۳)

این جریان در ابتدای دهه چهارم انقلاب در اعتراضات انتخابات دهه، با جریان اصلاح طلب معترض و گروه های موسوم به جنبش سبز همراهی نمود؛ و در آستانه انتخابات به اختلاف اصولگرایان با یکدیگر و نفوذ و جاذبه ایدئولوژی اصلاحات در میان بخش هایی از جامعه شهری امید داشت. تلاش نظریه پردازان لیبرال، جذب تمام گفتمان های ناراضی و قدرت های معارض نظام در یک جبهه بود که مانند سطحی موزائیک وار در نهایت به قدرتی بزرگ در جهت حاکمیت تفکر اصلاحات تبدیل شود. این اقدامات به ناکامی مبدل گردید و سناریوی اغتشاش و نافرمانی مدنی اجرا شد. این جریان سیاسی در حوادث پس از انتخابات همگام با جریان اصلاحات و سایر گروه های اپوزیسیون در زیر جنبش سبز، مطالبات جمهوری ایرانی، نفی ولایت فقیه و نفی حمایت از جنبش های اسلامی را در طبقه مرفه شهری مطرح کرد. (گنجی، ۱۳۸۲: ۶) همچنین با پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم، مجدداً نفوذ خود را به درون سیستم سیاسی جمهوری اسلامی ایران افزایش دادند. اندیشه دولت اعتدال همان اندیشه دولت سازندگی بود و تفکرات این دولت باعث شد عدالت اجتماعی له شود؛ اقتصاد به بی راهه برود. سیاست های لیبرالیستی دولت مردان، که در مورد بخش خصوصی ایجاد کردند عبات بود از: فروش کارخانه ها به یک سیستم قیمت؛ و در نهایت تعطیلی آنها، که عملاً تولید را تعطیل، کارخانه تعطیل و کارگران اخراج شدند. از جمله کارخانه هایی که تعطیل شد عبارتند از: هپکوی اراک، نیشکر خوزستان، کارخانه ماشین سازی تبریز، کالسیمین - کیوان همدان - توقف تولید، آزمایش - تبدیل کارخانه به انبار، کارخانه آزمایش مرودشت در استان فارس، پلی اکریل اصفهان و ماشین آلات صنعتی تبریز که باعث بیکاری ۵۰ هزار کارگر به دلیل خصوصی سازی شد. (۹۹/۶/۱۸ <https://www.eghtesadnews.com>) مقام معظم رهبری این اختار را به مدیران داده بودند که نتیجه این عملکردها، نفوذ دشمن است: «در زمینه های اقتصادی، چشمهای بینی مسؤولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل میکند. آنچهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنچهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملتها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته منطقه ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد، به من گفت آقا ما یک شبه فقیر و گدا شدیم». (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۹/۴) از جمله آخرین موارد نفوذ در دولت تدبیر و امید نیز به ماجرای گرای نفتکش حامل نفت جمهوری اسلامی ایران بازمی گردد که در یک راهزنی دریایی توسط انگلیس، در تنگه جبل الطارق توقیف شد. روزنامه نیویورک تایمز فاش کرد «کسانی که اخیراً در ایران به جرم جاسوسی برای سیا

بازداشت شدند، تلاش داشته‌اند اطلاعات فروش نفت این کشور را جمع‌آوری کنند. محافل جاسوسی در غرب حاضرند برای این اطلاعات از ۱۰۰ هزار تا یک میلیون دلار به کارکنان بخش فروش نفت ایران پرداخت کنند. «رجانیوز ۹۸/۸/۲۰ <http://www.rajanews.com>»

تیم دولت روحانی همچنین با وعده‌های خود در برخی زمینه‌ها امید و انتظار واهی در جامعه ایجاد کرد. و تعبیری همچون «فتح‌الفتوح»، «آفتاب تابان»، «معجزه قرن»، «بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ ایران»، «نشانه تسلیم همه قدرت‌های بزرگ در برابر اراده ملت»، «ورق خوردن تاریخ به نفع ایران»، «پیروزی بزرگ‌تر از فتح خرمشهر» از سوی همین دولتمردان مطرح شد. وقتی هم که دلسوزان هشدار و انذار می‌دادند، به آنها تهمت کاسب تحریم زدند تا صدایشان شنیده نشود.

۴-۱- جذب و تأثیرگذاری بر نیروها در چارچوب مذاکرات هسته‌ای

خطر نفوذ دشمن، اگرچه همیشه وجود داشته، اما به نظر می‌رسد، بعد از توافق هسته‌ای، این مسئله ابعاد جدیدی به خود گرفته است؛ به طوری که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های سال ۹۴، ۴۳ نوبت در خصوص نفوذ دشمن تحذیر داده‌اند که ۳۲ مرتبه آن در پیرامون برجام بوده است. لذا پس از توافق هسته‌ای (۲۳ تیر)، ابعاد مسئله «نفوذ» در کلام رهبری افزایش یافت. به طوری که حدود یک ماه بعد، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان خود، با لحنی که قاطعیت در آن موج می‌زد، باز هم در خصوص «مسئله نفوذ» تحذیر دادند:

«نیت آن‌ها [آمریکایی‌ها] این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم...» (بیانات رهبری، ۹۴/۵/۲۶).

اگر این دو رویداد هسته‌ای و بیانات رهبری را کنار هم قرار دهیم، پازلی تشکیل می‌شود که قابل تأمل و سؤال‌برانگیز است. میان توافق هسته‌ای و نفوذ دشمن (به ویژه آمریکا) چه رابطه‌ای است که رهبر معظم این‌گونه از خطر نفوذ آن‌ها سخن می‌گوید؟ مگر آمریکایی‌ها در قالب مذاکرات هسته‌ای، به دنبال چیز دیگری هستند؟ آیا مفاد توافق وین، به گونه‌ای تنظیم شده که نفوذ آمریکایی‌ها را در ایران سهل کند و رهبر این‌گونه از قصد و نقشه آن‌ها، پرده برمی‌دارد؟ یا اینکه مفاد تنظیم شده در برجام، دارای حفره‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؟ این سؤالات مهم و کلیدی، نیازمند پاسخ‌هایی جامع و کامل است. معظم له هشدار در رابطه بانفوذ دشمن (به ویژه آمریکا) پس از حصول توافق وین را ادامه داده و در ۱۸ شهریور در دیدار با اقشار مختلف مردم، با لحنی خاص که از ناراحتی ایشان حکایت داشت، در خصوص بزک کردن چهره آمریکا توسط عده‌ای در داخل، فرمودند: «بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات که از ابلیس بدتر است، بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین

به کنار، انقلابی گری به کنار، اما وفاداری به مصالح کشور چه می‌شود؟ عقل چه می‌شود؟ کدام عقل و کدام وجدانی به انسان اجازه می‌دهد که کشوری مثل امریکا را به عنوان دوست و مورد اعتماد یا همچون فرشته نجات انتخاب کند؟» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸/۶/۹۴) و سپس فرمودند: «ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد. نباید بگذاریم دوباره برگردد. نباید بگذاریم از در که بیرون رفت، از پنجره بازگردد. نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند. دشمنی آن‌ها تمام نمی‌شود.» (همان)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتشان چهار مصداق برای نفوذ دشمن در این سالهای اخیر می‌شمارند:

۱. نفوذ اقتصادی.
۲. نفوذ امنیتی.
۳. نفوذ سیاسی.
۴. نفوذ فرهنگی.

ایشان معتقدند اهمیت نفوذ سیاسی و فرهنگی به مراتب بیشتر است: البته کم‌اهمیت‌ترین، نفوذ اقتصادی است. نفوذ امنیتی هم ممکن است جزو موارد کم‌اهمیت باشد... از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است.

ایشان همچنین در ارتباط بانفوذ سیاسی می‌فرمایند: «نفوذ سیاسی این است که در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه تصمیم‌گیری‌ها بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد شد... برای آن‌ها بهتر است که از خود آن ملت کسانی در رأس کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند...» (ر، ک، بیانات، ۲۵/۶/۹۴) برژنسکی در توصیف چگونگی نفوذ و فروپاشی شوروی می‌گوید: «ما نه روی قدرت سیاسی و نه روی قدرت نظامی و اقتصادی تکیه کردیم ما تنها از طریق فرهنگ و استفاده مؤثر از رسانه‌ها توانستیم به این هدف برسیم رسانه‌هایی که به صورت هدفمند و متمرکز بر نفوذ به درون شوروی به راه انداخته شدند» (رنجبران ۱۳۸۸: ۲۷) بر همین اساس مقام معظم رهبری می‌فرماید: «به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است - نفوذ در مراکز حساس و تصمیم‌گیر - ایجاد تفرقه است...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۹۸/۸/۲۴)

۴-۲- جذب و تأثیرگذاری بر نیروها در چارچوب مذاکرات علمی

بدیهی است که مسئله علم و تولید علم، امری است که باعث نفوذ در یک فرهنگ، دین و ارزشهای یک ملت می‌شود. علم عنصری دو وجهی است که هم سبب تأثیرگذاری و هم سبب تأثیرپذیری می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید «علم اقتدار هست است هر کس این قدرت را به چنگ آورد می‌تواند تحکم کند و غلبه پیدا کند هر کس این اقتدار را به دست نیاورد براو غلبه پیدا خواهد شد و دیگران برای او قهر و غلبه پیدا می‌کنند» (ابن ابی الحدید ج ۲۰: ۳۱۹) از این جاست که رهبر معظم انقلاب

بیان می‌دارند ما با به دست آوردن علوم کشورهای غربی مشکلی نداریم بلکه هر کسی که از ما بهتر بداند شاگردی نیز می‌کنیم منتها این امر نباید سبب شود که ما فرهنگ و ارزش‌های خود را از دست بدهیم دستیابی به علوم و تولید علم نیاز به هم‌رنگ شدن با جوامع غربی در تمامی زمینه‌ها ندارد (موسوی ۱۳۸۸: ۲۵) حرکت علمی جمهوری اسلامی ایران در دودهمه گذشته بسیار خوب بوده است به گونه‌ای که رتبه اول جهان اسلام را دارد. (<https://ur.isc.gov.ir/2018>) (واین ناشی از داشتن دانشمندان متعهدی است که متواضعانه کار کردند. اما جریان نفوذ در چند سال گذشته باعث شد که تعدادی از دانشمندان ایرانی (از شهید علی محمدی گرفته تا شهید فخری زاده و...) توسط این جریان، شناسایی و توسط سرویس‌های جاسوسی ترور شوند. زمانی که دولت تدبیر و امید تمام دانشمندان هسته‌ای کشور را مجبور به انجام دیدار و جلسات بازجویی با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌کرد، بی‌تردید نمی‌توان نقش نفوذ داخلی را در شناسایی دانشمندان و نخبگان علمی کشور در حوزه فناوری هسته‌ای و انتقال اطلاعات آنان به رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا نادیده گرفت.

(<http://irdiplomacy.ir/news/8/9/99>)

جریان نفوذ، در این چند سال، با نفوذ در بدنه مدیریت کشور، اقدام به حمله به تاسیسات هسته‌ای نطنز کرد؛ همچنین اقتصاد کشور را از طریق خروج ارز از بانک مرکزی و... و دادن اطلاعات داخل کشور به بیگانگان عملاً کشور را در وضعیت بحرانی قرار دادند. امروزه ترور نخبگان یک کشور، حمله سایبری به نقاط حساس، فشارهای معیشتی بر مردم به مراتب کارسازتر از حمله نظامی و جنگ کلاسیک با ایران یا هر کشور دیگری است. در واقع این جنگ یک «جنگ به‌گزین»^۱ است که با صرف کمترین هزینه، مهمترین افراد، نخبگان و دانشمندان یک کشور یا حساس‌ترین مراکز، نقاط و یا جدی‌ترین گلوگاه‌ها مانند معیشت مردم را هدف قرار می‌دهد. وقتی دولت (اعتدال) در مدت هفت سال با دست خود فردو را می‌بندد، نطنز را محدود می‌کند و دیگر اقدامات را به منظور نابودی توان هسته‌ای کشور در دستور کار قرار می‌دهد این ناشی از چه عقیده‌ای و فکری است. تغییر استراتژی آمریکایی‌ها در برخورد با ایران روشی است که امروز رهبر معظم انقلاب اسلامی از آن به عنوان نفوذ یاد می‌کنند. بنابراین آمریکایی‌ها معتقدند مقابله نظامی و سخت در برابر ایران جواب نمی‌دهد، چون یک بار این نوع برخورد را تجربه کرده‌اند. دلیل آنها (آمریکایی‌ها) برای خودداری از رویارویی نظامی با ایران این است که معتقدند جمهوری

¹ Choose a war

اسلامی ایران با توجه به شرایط ژئوپلیتیک خلیج فارس و پیشرفت‌های دفاعی توانسته به میزانی از بازدارندگی برسد.

۳-۴- گذار از نفوذ فردی به نفوذ جریانی از طریق مدیران دو تابعیتی

کشور ایران یکی از مقاصد پیاده سازی طرح جذب نیرو و اثرگذاری بر نخبگان جوامع هدف در چارچوب مذاکرات های متعدد از جمله مذاکلات هسته ای بود. این طرحها با گذار از نفوذ فردی به نفوذ جریانی وارد مرحله تازه ای از نفوذ شد. موضوع دو تابعیتی بودن مدیران و نگرانی‌ها از زمانی شروع شد که «خاوری» مدیرعامل اسبق بانک ملی ایران پس از روشن شدن پرونده فساد سه هزار میلیاردی از سمت خود استعفا داد و به واسطه تابعیت کانادایی خود و خانواده‌اش، کشور را ترک کرد و هیچگاه برای پاسخگویی درباره تخلفات اقتصادی خود به کشور بازنگشت. از همان زمان این دغدغه به وجود آمد که اولاً مدیرانی که دارای تابعیت مضاعف هستند، چند نفر است و آیا این نگرانی باید درباره مسئولانی که «گرین کارت» و یا حق اقامت کشور ثانی را دارند، وجود داشته باشد یا خیر. در گزارش تحقیق و تفحص از مدیران دو تابعیتی در اردیبهشت ۱۳۹۷ منتشر شد که حضور ۱۰۰ مدیر تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز را که دارای تابعیت مضاعف بودند، تایید می‌کرد (۹۷/۲/۱۳ <https://www.tasnimnews.com>)

در این راستا کشورهایی مانند دانمارک، چین، هند، نروژ و ژاپن با وضع قوانینی بازدارنده، داشتن بیش از یک گذرنامه را منع کرده‌اند. بحث تابعیت در اصول متعدد قانون اساسی و مواد مختلفی از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده و برخی از اصول قانون اساسی ۱۴۵، ۱۱۵، ۸۲ به ممنوعیت به کارگیری افرادی که غیر تابعیت ایرانی را داشته، اشاره می‌کنند. درست است که داشتن تابعیت مضاعف برای اتباع ایرانی جرم نیست اما قوانین موضوعه کشور برای چنین افرادی محدودیت‌های سیاسی و تملیکی را در نظر گرفته که بی‌توجهی به آنها و بکارگیری چنین افرادی در پست‌های مهم می‌تواند منافع کشور را با تهدید مواجه کند. آن هم در حالیکه در چند سال اخیر بحث «نفوذ» با توجه به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی شکل جدی‌تری به خود گرفته است، خصوصاً آنکه پای دو تابعیتی‌ها به مذاکرات هسته‌ای باز شد و در این ارتباط یکی از اعضای تیم مذاکره کننده که تابعیت دوگانه داشت برای مدتی بازداشت شد.

بنابراین قانونگذار با توجه به دلایل مهمی از جمله اینکه فرد دو تابعیتی به دلیل تعهدی که به کشور دیگر داده، نمی‌تواند همسو با منافع و مصالح انقلاب و جامعه اسلامی قدم بردارد، صلاحیت عمومی و اختصاصی را برای احراز پست مدیریتی در جمهوری اسلامی ایران از وی سلب کرد.

از دیگر موضوعات تابعیت مضاعف به ویژه در کشورهایی که هم‌اکنون درخواست تابعیت بیشتری از آنها صورت می‌پذیرد، ایجاد دلبستگی فکری - ایدئولوژیک به آن کشورها می‌باشد که به دلیل حضور فیزیکی در

آن کشورها به مدت چندین سال جهت اخذ تابعیت و تحت تأثیر قرار گرفتن از سبک زندگی و نوع عملکرد جامعه آنجا، منتج می‌گردد و فرارگیری این چنین افرادی در مسندهای حساس نظام، زمینه‌ساز استحاله درونی انقلاب اسلامی به دلیل تفاوت و تضاد جدی نگاه فرهنگی با انقلاب اسلامی خواهد شد و از همین رو بود که امام خمینی (ره) در ۷ دی ماه ۱۳۶۰ فرمودند: «ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم لکن از شر تربیت‌شدگان غرب و شرق به این زودی‌ها خلاص نخواهیم شد.» (امام خمینی، ج ۱۵: ۴۴۶)

افراد دوتابعیتی به واسطه حضور مستمرشان در کشورهای دیگر، همواره در مظان توجه سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیگانه هستند و حتی اگر سوء نیتی برای اقدام علیه امنیت ملی نداشته باشند، احتمال بهره‌گیری ناخواسته از آنها در یک پروژه نفوذ و جاسوسی وجود دارد. به نحوی که رهبر انقلاب خطر حضور افراد نفوذی را در این دهه گذشته مکرر گوش زد کردند. (ر.ک، مجموعه بیانات سال ۹۴-۹۵-۹۷)

نحوه بهره‌برداری از ظرفیت‌های افراد دوتابعیتی در حوزه‌های گوناگون جهت اجرایی کردن پروژه نفوذ، توسط سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی دشمن بیشتر توسط مدیران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان رسمی صورت می‌گیرد. به کارگیری این افراد در مناصب دولتی به دلیل وابستگی‌های پیش‌گفته، می‌تواند بالقوه و بالفعل متضمن تهدیدات جدی باشد به طوری که تأثیرات اقتصادی و سیاسی این افراد در بروز تهدیدات بسیار عمیق و بعضاً غیرقابل جبران است، به طور مثال افرادی چون سید حسین موسویان از جمله این موارد است که به اتهام جاسوسی و همکاری با دول متخاصم خارجی در پرونده مذاکرات هسته‌ای تحت تعقیب قرار گرفته و محکوم گردید و هم‌اکنون در اندیشکده‌های آمریکایی مشغول فعالیت می‌باشد. از دیگر موارد می‌توان به افرادی چون محمدجعفر محلاتی (تبعه آمریکا) و سیروس ناصری (شهروند اتریش و مقیم انگلیس) که به طور فعال در برهه تاریخی قطعنامه ۵۹۸، پذیرش پروتکل الحاقی توسط ایران، ایفای نقش محوری و هدایت‌کنندگی در مذاکرات سعدآباد در جهت هدایت و پیشبرد توافق برجام حضور داشته‌اند، اشاره نمود. (<https://www.tasnimnews.com> ۹۷/۲/۱۳)

دری اصفهانی (تبعه کانادا) از دیگر محکومین به اتهام جاسوسی در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بود که در رأس حساس‌ترین بخش مذاکرات یعنی کمیته مالی - بانکی بوده است که پذیرش اجرای FATF به عنوان پیش‌شرط امضا برجام و در منگنه قرار دادن نظام به نحوی که راه رفت و برگشت برای آن وجود نداشته باشد، از نتایج آن بوده است. نکته حائز اهمیت آنکه مشارالیه در اعترافات خود به صراحت عنوان داشته است که نمایندگی شرکت PWC مستقر در امارات از وی خواسته است تا افراد مطمئنی را جهت همکاری با این موسسه به آن معرفی نمایند که ترجیحاً تابعیت مضاعف داشته باشند که وی نیز دو نفر

به نام‌های فریده شیرازی و مشکان مشکور (تبعه فرانسه و از مشاوران تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در توافق برجام) را به آنها معرفی نموده است. از دیگر موارد در این زمینه می‌توان به خاوری به عنوان مدیرعامل بانک ملی که منجر به خروج سرمایه‌های هنگفت از کشور شد، اشاره کرد. در گزارش هیئت تحقیق و تفحص از مسئولان دو تابعیتی که اخیراً در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته آمده است که جیسون رضائیان در سطح عالی‌ترین مقام اجرایی کشور نیز نفوذ پیدا کرد بود. (۱۳۹۷/۲/۲۴) [new \(https://www.isna.ir\)](https://www.isna.ir) کاووس سید امامی» سر شبکه جاسوسی در قالب فعالیت زیست‌محیطی که گرای سایت‌های موشکی در پوشش حمایت از یوز ایرانی را به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه می‌دادند.

گیتس وزیر دفاع پیشین امریکا معتقد است امریکا باید در ایران گفتمانی با سه محور امنیت، تکنولوژی و رفاه ایجاد کند و برای این کار لازم است یک جمعیت طرفدار غرب براساس این گفتمان تشکیل و آن را از طریق نخبگان، انجمن‌های علمی، شبکه‌های هنری و ارزشی توسعه دهد. (<https://www.tasnimnews.com> ۹۵/۳/۳) مقام معظم رهبری در این رابطه تذکر دادند «برای نفوذ سیاسی سعی میکنند در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد در مراکز تصمیم‌سازی نفوذ کنند. وقتی یک کشور اینگونه تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت و جهت‌گیریهایی آن کشور طبق اراده مستکبرین خواهد بود.» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، ۱۳۹۴)

۵- بنیان‌های بینشی جریان نفوذ

بنیادهای بینشی ایدئولوژیک این جریان که در فرایند جریان‌سازی روشنفکری در ایران به عنوان پایه‌های تفکراتی این جریان محسوب می‌شود حائز اهمیت بسزایی است چراکه این جریان از آنچنان نفوذ و تأثیری در جامعه جوان ایران برخوردار بود که شناخت سیر حاکم بر نفوذ جریانی اولیه تنها از مجرای آشنایی با رئوس تفکراتی این جریان امکان‌پذیر است به عبارت دیگر هر مجموعه و ساختاری تجلیگاه تفکر آرمان و خواسته‌های مبدع و طراح آن است و یکی از بهترین راه‌های شناخت هر مجموعه آشنایی با مجموعه تفکراتی پایه‌گذار آن مجموعه هست لذا در این قسمت رئوس اندیشه این جریان که همان جریان لیبرال هست و از قبل و ابتدای انقلاب بوده است و تاکنون ادامه دارد به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- **غرب باوری:** جریان لیبرال از پشتیبانان یک‌دنده آوردن ارزش‌های غربی به ایران واز هواخواهان سرمایه‌گذاری کشورهای استعمارگر اروپا در ایران بوده‌اند و خواهان فاصله گرفتن از ایران عقب مانده بر

اساس الگوسازی غربی بوده اند (غفاری و رادمرد ۱۳۹۳: ۸۳) در نگاه گفتمانی این جریان هویت ایران در برابر غرب بر کشیده نمی‌شود بلکه ایران به عنوان بخش انضمامی غرب به حساب می‌آید؛ در واقع فلسفه عقاید سیاسی این جریان مبتنی بر تسلیم مطلق و بلا شرط در مقابل تمدن غربی است. دولت ۸ ساله «تدبیروامید» غیر از نگاه به غرب هیچ گزینه‌ای نداشتند؛ وقت برنامه ریزی و تصمیم سازی برای رفع مشکلات کشور برای هیچ کاری به اندازه مذاکره وقت نگذاشتند؛ حتی می‌توان گفت غیر از مذاکره هیچ کاری نکردند. وقتی که رئیس جمهور هم زمان با مذاکرات از خزانه خالی گفت یا وقتی آب خوردن را به برجام گره زد تلاش داشت تا به داخلی‌ها بگوید چاره‌ای جز مذاکره با غرب به خصوص آمریکا ندارد و تا به خواست آن‌ها عمل نکنیم مشکلی حل نمی‌شود. به شهادت اسناد فراوان، این جماعت غرب اندیش و غرب ستا و غربگدا، یکی از عوامل اصلی ماندگاری و مضاعف سازی تحریم‌ها هستند؛ چه زمان‌هایی که در فتنه ۸۸ خواستار تشدید تحریم‌ها برای به زانو درآوردن ایران شدند؛ و چه زمان‌هایی که با ارسال پالس ضعف و ناتوانی، و با درس مذاکره گرفتن از کربلا، و با تحریف صلح امام حسن (ع)، به دشمن مستاصل روحیه دادند، و عصا زیر بغل آمریکای رو به انحطاط گذاشته، و این سیگنال را برای آمریکایی‌ها ارسال کردند که تحریم‌ها ما را بیچاره کرده، و با چند فشار تحریمی دیگر، کار جمهوری اسلامی تمام است، و فروپاشی و استحاله انقلاب رقم می‌خورد.

حسن روحانی سال ۹۷ در سفر به نیویورک باخانم لاگارد رئیس imf صندوق بین‌المللی پول دیدار کرده و بهار سال ۹۸ هیئت ۴ نفره این صندوق برای ارائه پیشنهاد راهبردی و لیبرالیستی خود به ایران سفر می‌کنند. <https://www.tahririeh.com/news/99/12/9>

نتیجه توصیه‌های imf ماجراهای اغتشاش‌های آبان ۹۸ بود که هزینه‌های بسیاری به‌نظام تحمیل کرد! و باعث شد پای عناصر داعشی و تروریست‌ها به‌صف اعتراضات عمومی بازشود. علی‌مطهری نماینده سابق مجلس نیز لب به اعتراض گشوده و در نطقی می‌گوید: «اینکه رئیس‌جمهوری گفته‌اند من هم صبح جمعه فهمیدم قیمت بنزین تغییر کرده، چون اجرای تصمیم سران قوا را به شورای امنیت کشور واگذار کرده بودم نمی‌توان این عذر را برای تقصیر وی در نحوه اجرای تصمیم مذکور پذیرفت.» <https://www.mashregnews.ir/news/1399/12/10>

۲- اصلاح طلبی دینی و دین‌گریزی تئوریک: جریان لیبرال تحت تاثیراندیشه‌های غربی بخصوص اندیشه‌های کانت، پوپر و هابرماس و... قرار دارند بعضی از افراد این جریان (سروش، ملکیان، گنجی، کدیور و...) متاثر از روح تعالیم غربی هستند با تصویری که از پروتستانسیسم مسیحی پذیرفته بودند خواهان پروتستانسیسم اسلامی هستند. در بعد از جنگ تحمیلی و در دوران دولت سازندگی با تشکیل حلقه کیان

این جریان به مرور فعالیتهای اصلاح طلبی خود را آغاز کردند و در دوره دولت اصلاحات به طرق مختلف برآموزه‌های دین تازیدند. این جریان حاکمیت دین را غیر دموکراتیک می‌داند و میان نظام ولایت فقیه و دموکراسی را تضادگونه تفسیر میکنند.

و طرح اندیشه‌های ناسیونالیستی مانند شعار «ایران برای ایرانیان» برای اصالت دادن به ملیت در مقابل ماهیت دینی انقلاب قرار میدهند. (حصون، ۱۳۸۳، ۲۰)

۳- لزوم پیروی از اصول ترقی و توسعه: ترقی و توسعه از منظر جریان لیبرال صرفاً در ابعاد پیشرفت بر محور الگوی تمام غربی خلاصه میشود آنها که قائل به شخصیت و جایگاه مستقل برای کشورهای عقب مانده نیستند بنابراین معتقدند که علم میتواند سدها را از میان بردارد و دولت‌های جهان سوم باید به تبعیت از غرب، ترقی و توسعه را به پیش ببرند. اینها حتی نظام آموزشی فعلی را صحیح نمی‌دانند و معتقدند که باید با نظام آموزشی غرب همراه شد و خواهان FATF هستند. نتیجه تقلید تفکر اتمی توسعه از غرب کاهش ارزش پول ملی کشور از سال ۹۶ که قیمت دلار ۳۸۰۰ تومان بود تاکنون، به تقریباً یک دهم بوده است. آمریکایی‌ها با استراتژی فاسد کردن مدیر انقلابی و استفاده از سودجویان اقتصادی درصددند تا توسعه کشور و اقتصاد را به فضای ناسالم تبدیل کنند تا اعتبار اجتماعی و اعتماد مردم نسبت به حکومت کاهش پیدا کند. در این سودجویی اقتصادی، طرف را وابسته می‌کنند تا اینکه به مامور رسمی آنها در درون نظام تبدیل شود. واقعیت این است آنهايي که دنبال توسعه و اقتصاد لیبرالی هستند چندان به فکر قشر مستضعف نیستند و چون اشرافیت سالاری در آنها ایجاد شده است مفهومی به نام فقر برای آنان معنا ندارد؛ امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود هشدار می‌دهند که افراد انقلابی به سمت فعالیت‌های اقتصادی و رفاه نروند، چون آنها را وابسته و عافیت‌طلب می‌کند و کسانی که به دنبال زندگی اشرافی‌اند دیگر انقلابی نیستند.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی از همان ابتدای پیروزی، با موانع نظامی، سیاسی، اقتصادی روبرو بوده و تاکنون از همه آنها عبور کرده است اما در دهه چهارم از عمر انقلاب، عرصه پیچیده‌ای در مقابل نظام آغاز گردید که ویژگی‌های آن بسیار متفاوت از عرصه‌های دیگر است و دشمنان به دنبال مهار انقلاب از درون هستند. تأکیدهای فراوان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه نشان از جدیت دشمنان و اهمیت بالای جریان نفوذ دارد. دشمنان در اتاق‌های فکر خود برای نفوذ به ایران اسلامی نقشه طراحی می‌کنند اما با

هوشیاری و بصیرت مردم و بیانات مقتدرانه رهبر انقلاب اسلامی همواره این نقشه‌ها خنثی و نقش بر آب می‌شود. بهترین و اساسی‌ترین راهکار مقابله با پروژه نفوذ داشتن بصیرت، بصیرت‌افزایی و افشاگری به آحاد مردم جامعه است و هوشمندی مسئولان جهت جلوگیری و مقابله از منفذهای نفوذ بسیار حائز اهمیت است. البته راهکار عبور از همه بحرانها علاوه بر مورد مذکور عملیاتی کردن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی نژاد، مریم؛ امین الرعايا، یاسر و متاجی، محسن (۱۳۹۸). «تحول مفهوم اشغال از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر وضعیت اراضی غزه»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۰، شماره ۳، پاییز. امیری، جهاندار (۱۳۸۹). **لیبرالیسم ایرانی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- امیری، جهاندار (۱۳۸۶). **اصلاح طلبان تجدیدنظر طلب**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۶). **مدیریت عمومی**، تهران: نشر نی.
- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۹). **صحیفه امام**، مجلدات، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد (۱۳۳۷). **شرح نهج البلاغه**، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قشار مردم ومسئولین <https://farsi.khamenei.ir>
- استمیل، جاندی (۱۳۷۷). **روابط درون انقلاب ایران**، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: خدمات فرهنگی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴). **تشیع و مشروطیت در ایران**، تهران: امیرکبیر.
- خالقی راد، مسعود (۱۳۸۸). **هویت چراغ کنفرانس برلین**، تهران: واژگان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). **لغت نامه دهخدا**.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). **جریان شناسی در ایران**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- ریچاردسون، ایان؛ اندرو کاکابادز و، نادا کاکابادز (۱۳۹۷). **بیلدبرگی‌ها: قدرت نخبگان و وفاق در مسائل جهانی**، فواد ایزدی، محسن بدره تهران: موسسه خیرگزاری فارس.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۴). «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۸۴، صص ۲۲۱-۲۳۰.
- ریزن، جیمز (۱۳۹۴). **به هر قیمت آمریکا؛ طمع، قدرت، جنگ بی پایان**، ترجمه میثم علی آبادی، تهران: انتشارات خیرگزاری فارس.
- علوی نیک، سلیمان (۱۳۸۱). **آسیب شناسی حزب مشارکت ایران اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵). **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گوهری مقدم، ابوذر و کیانی مجاهد، حامد (۱۳۹۷). «تحلیل سیستمی مسأله نفوذ و منظومه اثرگذاری آن با تأکید بر ابزارهای نوین دیپلماسی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، سال بیست و یکم، شماره ۸۰، پاییز، صص ۱۶۰-۱۸۶.

گارو، رنه (۱۳۴۴). *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، تهران: ابن سینا گنجی، عبدالله (۱۳۸۹). *جریان شناسی انتخابات دهم*، تهران: فرهنگ اندیشه. معین، محمد (۱۳۸۶). *لغتنامه معین*.

مرعشی، حسین، مصاحبه ذکر، ما لیبرال دموکراتیم، ۱۳۸۵/۳/۵
موسوی، سید غلامرضا؛ واعظی، احمد (۱۳۹۲). «نگرش سیستمی و مسأله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ظرفیتهای نهاد ولایت»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۶۴، زمستان. میرسلیم، مصطفی (۱۳۸۴). *جریان شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی*، تهران: جهاد دانشگاهی.

<https://www.eghtesadnews.com>

<https://ur.isc.gov.ir/2018>

<https://www.mashreghnews.ir>

<https://www.tahririeh.com>

<https://farsi.khamenei.ir>

<http://www.rajanews.com>